

ضوابط تعیین قانون حاکم بر تعهدات ناشی از اسناد تجاری

نجادعلی الماسی^۱، مهدی حسینزاده^{۲*}

۱. استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

۲. دانشجوی دکتری فقه و حقوق خصوصی دانشگاه تربیت معلم تهران

(تاریخ دریافت: ۸۸/۹/۱۲؛ تاریخ تصویب: ۸۹/۲/۲۴)

چکیده

تعیین قانون حاکم بر تعهدات ناشی از اسناد تجاری و اینکه چه ضابطه‌ای برای تعیین قانون حاکم در صورت توافق طرفین یا سکوت آنها وجود دارد. یکی از مهم‌ترین مسائلی است که مقام رسیدگی‌کننده با آن روبه‌رو است. در این مقاله سعی شده که تئوری‌های حاکم بر تعیین قانون واجد صلاحیت بر تعهدات ناشی از اسناد تجاری مورد نقد و بررسی قرار گیرد تا نقیصه قواعد حل تعارض ایران از حیث قانون حاکم بر چنین اسنادی رفع شود. همچنین برای رفع تعارضاتی که در مسایل مربوط به قانون حاکم در سطح بین‌المللی حادث می‌شود، به جای اعمال یک قانون بر تمام تعهدات در یک سند، به دنبال اعمال قوانین متعدد با ایجاد قاعده واحد حل تعارض باشیم و همچنین درباره اعمال اصل حاکمیت اراده در تعیین قانون حاکم نیز پیشنهاد شده تا ماده ۹۶۸ قانون مدنی تخییری دانسته شود یا این ماده مورد اصلاح قرار گیرد و عبارت مخمل و مزاحم "اتباع خارجه" از ماده مزبور حذف گردد.

واژگان کلیدی:

قانون حاکم، تعهدات اسناد تجاری، اصل حاکمیت اراده.

مقدمه

گردش اسناد تجاری در سطح بین‌المللی، مشکلی به وجود می‌آورد که برخلاف اهداف آنهاست؛ چرا که سرعت، امنیت، سهولت گردش از ویژگی‌های این اسناد است، لذا تعیین و تبیین قانون حاکم بر اسناد تجاری بدون شک یکی از دقیق‌ترین و مهم‌ترین وظایفی است که مقام رسیدگی کننده به دعوی خواه قاضی دادگاه داخلی باشد و یا داور بین‌المللی، با آن روبه‌رو می‌شود و هر یک از نظام‌های حقوقی مختلف بنا به قوانین و مصالح خود ممکن است قانون خود را حاکم و یا قابل اعمال بر آن دعوی تشخیص دهند. روش‌ها و نظرهای گوناگونی برای رفع تعارض و انتخاب قانون حاکم وجود دارد که بحث‌های تفصیلی حقوقی را به دنبال دارد.

درباره پیشینه تحقیق باید گفت که در حوزه تعیین قانون حاکم، به ویژه در مورد تعیین قانون حاکم بر تعهدات اسناد تجاری، کار گسترده‌ای انجام نشده و کتب ناظر به تعارض قوانین تنها بخش ناچیزی را به این مهم اختصاص داده‌اند، لذا تصمیم به انتخاب این موضوع گرفته شد.

روش تحقیق در این مقاله به صورت نظری و کتابخانه‌ای و مبتنی بر مطالعه منابع و مأخذ مربوطه است. تلاش شده تا جدیدترین تئوری‌های مطرح شده را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و در هر مورد راه حل مناسب ارائه گردد.

لذا باید به سؤالات زیر درباره قانون حاکم بر مسایل مختلف درباره اسناد تجاری پاسخ گفت:

- سؤال اصلی این است که با توجه به این که صدور و گردش اسناد تجاری در زندگی بین‌المللی سبب تعارض قوانین کشورها می‌گردد، قانون حاکم بر تعهدات اسناد تجاری مطابق چه ضوابطی تعیین می‌شود؟

- سؤال بعدی این است که آیا هر تعهدی در سند تجاری، باید مشمول مقررات ویژه خود باشد، یا این که کل سند باید از یک قانون تبعیت کند؟

- با ورود اصل حاکمیت اراده و پذیرش جهانی این اصل، آیا با توجه به این اصل، طرفین می‌توانند قانون حاکم بر آثار تعهدات ناشی از اسناد تجاری را انتخاب نمایند؟

بنابراین، پژوهش حاضر در پی بررسی قانون حاکم بر تعهدات اسناد تجاری است و از آنجایی که طبق یک نظریه معتبر در سیستم‌های حقوقی متفاوت، سفته از حیث ساختار حقوقی شباهت زیادی با برات دارد و به عبارتی نوعی از آن می‌تواند تلقی گردد؛ سفته در حقیقت براتی

است که در آن محیل همزمان نقش محال‌علیه را نیز ایفا می‌کند و به اصطلاح تحت عنوان متعهد سفته شناخته می‌شود. در ضمن، هر دو سند با توجه به ویژگی‌های خود کاربرد مشابهی در امور تجاری دارند؛ بنابراین منطقی است که رژیم حقوقی یکنواختی نیز بر آنها حاکمیت داشته باشد (صقری، ۱۳۶۹، ص ۱۵۱)، لذا سعی گردیده با تکیه بر مهم‌ترین آنها، یعنی برات، دیدگاه‌های پیمان ژنو درباره سؤالات مذکور مطرح گردد و آنگاه با استناد به قواعد حل تعارض ایران، به موضع حقوق تجارت بین‌الملل کشورمان که تاکنون کم‌تر مورد نقد و بررسی قرار گرفته، پرداخته شود.

نظر به عدم الحاق کشورهای انگلیس و آمریکا به کنوانسیون‌های ژنو، سعی شده دیدگاه‌های کشورهای مزبور نیز مورد اشاره قرار گیرد.

در مقاله حاضر، پس از ذکر تعریف و مفاهیم، دو نظریه مطرح درباره اعمال قانون حاکم بر تعهدات ناشی از اسناد تجاری معرفی شده و بعد از آن به بررسی ضابطه تعیین قانون حاکم و در نهایت، قانون حاکم بر تعهدات ناشی از اسناد تجاری می‌پردازیم.

تعریف و مفاهیم

تعریف اسناد تجاری

قانون تجارت ایران تعریفی از اسناد تجاری به دست نداده است، چنان‌که قانون تجارت ۱۸۰۷ فرانسه که مهم‌ترین منبع در تدوین قانون تجارت ایران بوده، تعریف واضح و صریحی انجام نداده بود (لسکوت^۱ و دیگران، ۱۹۵۳، ص ۱). اما در موارد مختلف^۲ به کلمه اسناد تجاری^۳ اشاره کرده بود (اخلاقی، ۱۳۶۸، ص ۳۰). به همین خاطر بین مؤلفین حقوق تجارت در مورد تعریف و مصادیق این اسناد بسیار بحث شده است.

یکی از اساتید حقوق بیان داشته که: «اسناد تجاری دارای مفهوم دوگانه‌ای است؛ به معنی اعم کلمه، اسنادی است که در امر تجارت بین بازرگانان و غیر بازرگانان به کار رفته، هر یک بنا به شکل و وضع خود، آثار و خصوصیات را با توجه به مقررات قانونی آرایه می‌دهند، به این

1. Lescot et

۲. از جمله مواد ۵۸۵، ۵۷۴ و ۴۴۶ ق. ت. فرانسه. ماده ۴۴۶ قانون مزبور از بطلان پرداخت‌های تاجر ورشکسته در طول دوران توقف چه به صورت نقد و چه به صورت پرداخت با اسناد تجاری سخن گفته بود.

3. Effets de commerce

معنی اسکناس، سهام شرکت‌ها، اوراق قرضه، اسناد خزانة، ضمانت‌نامه‌های بانکی، اسناد اعتباری، حواله‌ها، بارنامه‌ها، اعم از دریایی، زمینی و هوایی، قبوض انبارهای عمومی و غیره، اسناد تجاری تلقی می‌شوند. به معنی اخص کلمه به اسنادی گفته می‌شود که قابل نقل و انتقال و متضمن پرداخت مبالغ معین به رؤیت یا سرسید کوتاه مدت است که به جای پول وسیله پرداخت قرار گرفته و از امتیازات ویژه قانونی تبعیت می‌کنند» (اخلاقی، ۱۳۶۸، ص ۳۰).

به نظر یکی دیگر از اساتید، باید معیار دیگری ارایه داد. معیاری که نه به لحاظ ضمانت اجرای خاص و یا شناخت مزیت خاص توسط قانون، بلکه به لحاظ وجود برخی ویژگی‌ها در ماهیت سند، مبین تعریف اسناد تجاری باشد. از این رو "اسنادی که در حقوق تجارت معمولند، به دو دسته تقسیم می‌شوند: اسناد براتی و اسناد غیر براتی (اسکینی، ۱۳۷۳، ص ۱۷).

اسناد براتی: اسنادی هستند که خصوصیت عمده برات را دارند، یعنی نماینده مبلغی وجه نقدند که پرداخت آن در رسید معین یا عندالمطالبه پیش‌بینی شده و از طریق ظهورنویسی قابل انتقال هستند. سایر اسناد را باید اسناد غیر براتی تلقی کرد، خواه به دلیل آنکه متضمن مبلغی پول نیستند (مثل بارنامه دریایی) و خواه به دلیل آن که قابل ظهورنویسی نیستند (مثل اوراق سهام)."

توصیف قضایی اسناد تجاری

در مقالات حقوقی نگارش یافته در باب تعارض قوانین (اخلاقی، ۱۳۶۹، ص ۱۸۰)، معمولاً صدور و نقل انتقالات اسناد تجاری را نوعی قرارداد می‌دانند و معتقد به این هستند که سند تجاری متضمن و دربردارنده عقود متعدد جداگانه‌ای است. در همین راستا، قانون برات در انگلیس مصوب ۱۸۸۲ در مورد برات از دو نوع قرارداد نام می‌برد: قرارداد اصلی^۱ و قرارداد فرعی^۲. قرارداد اصلی بین صادرکننده و اولین دارنده و قرارداد فرعی بین قبول‌کننده و دارنده یا ظهورنویس و هر یک از دارندگان بعدی منعقد می‌شود (گراوسون^۳، ۱۹۷۴، ص ۴۴۶).

هم‌چنین درباره ماهیت اسناد تجاری از دیدگاه حقوق تجارت باید گفت که ماهیت این اسناد نوعی قرارداد تجاری می‌باشند،^۴ لذا بنا به مراتب فوق، با توجه به جایگزینی اسناد تجاری

1. Original contract
2. Supervening Conteract
3. Graveson

۴. لازم به ذکر می‌باشد که وقتی گفته می‌شود اسناد تجاری ماهیت قراردادی دارد بدان سبب است که مجموع

در دسته ارتباط قراردادهای، طی تحقیق حاضر در مواقع سکوت مقررات قانونی در تعیین قانون حاکم بر اسناد تجاری، از راه‌حل‌های ارایه شده در باب تعیین قانون حاکم بر قراردادهای بین‌المللی بهره‌مند خواهیم شد.

تعریف قانون حاکم

فقدان یک قانون فوق ملی و وجود اختلاف بین قوانین کشورهای مختلف جهان، ضرورت تعیین قانون حاکم بر اسناد بین‌المللی را اجتناب‌ناپذیر نموده است. همان نیازی که در قلمرو داخلی یک کشور نسبت به وجود قانون جهت تعیین حقوق و تکالیف افراد جامعه وجود دارد، در سطح بین‌المللی نیز به ویژه به هنگام صدور و انتقال اسناد تجاری، مشکلاتی عارض می‌گردد، که لزوم تعیین قانون حاکم بر آنرا جلوه‌گر می‌سازد.

تا آن جا که به حقوق ایران مرتبط می‌شود، در این زمینه باید دو مطلب مورد توجه قرار گیرد، نخست این که: آیا دادگاه ایرانی صلاحیت قضایی رسیدگی به دعوی ناشی از این معامله را دارد؟ در پاسخ باید گفت که با فقدان شرط صریح مخالف، دادگاه ایران معمولاً خود را صالح فرض می‌کند.

دوم آنکه: زمانی که دادگاه خود را صالح به استماع و رسیدگی دعوی دانست، قانون کدام کشور باید حاکم باشد یا به عبارت دیگر، قانون صلاحیت‌دار کدام است؟ چنانکه دادگاه، قانون ایران را صالح تشخیص دهد، دعوی به عنوان یک دعوی ایرانی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و در غیر این صورت باید بر طبق قواعد حل تعارض ایران مشخص شود که کدام قانون صلاحیت‌دار است؟

قانون صلاحیت‌دار یا قانون حاکم بر اسناد تجاری را قانون قابل اعمال^۱ نیز نامیده‌اند. یکی از نویسندگان، قانون صلاحیت‌دار یا قانون حاکم بر قرارداد را چنین تعریف کرده‌اند: «قانونی که قرارداد به موجب آن منعقد می‌گردد و عموماً بر تشکیل قرارداد، واقعیت توافق، تأثیر هر اظهار خلاف واقع، اشتباه، اکراه، تفسیر قرارداد و این که قرارداد یا شروط آن صحیح هستند یا

اعمالی که در سند تجاری صورت می‌گیرد و چه قراردادی آن غلبه دارد، لذا سند تجاری هم دو جنبه دارد یکی جنبه شکلی آن که مربوط به سند بودن آن است و دیگری تعهداتی که ضمن آن صورت می‌گیرد که در قسمت اخیر جنبه قراردادی دارد.

خیر، ایفای تکلیف طرفین تحت قرارداد و تا حدودی مشروعیت قرارداد حاکم است» (ساماواتی، ۱۳۷۷، ص ۲۸۶).

نهایتاً به نظر می‌رسد که قانون حاکم بر اسناد تجاری، قانون کشور یا کشورهای است که با توجه به ضوابط تعیین آن صلاحیت حکومت و اعمال در مورد اسناد را پیدا می‌کند.

بررسی دیدگاه‌های مربوط به قانون حاکم بر آثار تعهدات براتی

اسناد تجاری از جمله برات، سفته و چک به عنوان یک رشته قرارداد اصلی که معمولاً بر یکدیگر تأثیر دارند، توصیف شده‌اند (موریس و دیگران^۱، ۱۹۸۹، ص ۸۸۱). این از عقود مختلفی مانند صدور، قبولی و یا ظهرنویسی ناشی می‌شود، لذا حقوق و تعهدات مختلف و مجزایی را برای هریک از اطراف آن ایجاد می‌کند و همان طور که در حقوق داخلی جهت چرخش امور بازرگانی با اسناد تجاری، این اسناد، صرف‌نظر از منشأ صدور آن، بررسی می‌شوند، در زمینه بین‌المللی نیز تعهدات ناشی از سند تجاری، تابع حقوقی است و از حقوق روابطی که به سبب آنها این اسناد صادر می‌شوند، مجزا است. این تعهدات به طور عمده عبارتند از: ظهرنویسی، ضمانت، قبولی و غیره و هم‌چنین آثاری است که از صدور و نقل و انتقال اسناد تجاری ناشی می‌شود،

سؤال این است که آثار تعهدات قراردادهای مختلف به موجب چه قانونی تعیین می‌شود؟ و آیا تعهدات ناشی از اسناد تجاری تابع مقررات ویژه و واحد است یا متعدد؟ در پاسخ باید ذکر کرد که در نظام حقوقی کشورهای مختلف، دو دیدگاه در مقابل هم قرار می‌گیرند: دیدگاه سیستم تعدد قوانین^۲ و دیدگاه سیستم قانون واحد^۳.

دیدگاه تئوری اعمال قانون واحد

طرفداران تئوری اعمال قانون واحد یا اصل وابستگی امضاها پیشنهاد می‌کنند که قانون واحدی نسبت به تمام تعهدات برات یا سفته اعمال شود. گاه این قانون، ناشی از توافق بین صادرکننده و یا دارنده می‌باشد و گاه قانون محل پرداخت که مورد اخیر را از نوع اول شایع‌تر می‌دانند. طرفداران این سیستم، معتقدند که وحدت تعهدات براتی، باعث متحدالشکل بودن رژیم

1. Dicey and Moris
2. Several Law or independence doctrine
3. Single Law or interdependence doctrine

حاکم می‌شود، در حالی که اعمال قوانین متعدد و متنوع، وحدت حقوقی خاص تعهدات مندرج در سند تجاری را متلاشی می‌سازد و ویژگی سند را که سهولت نقل و انتقال است، نادیده می‌انگارد.

به نظر این دسته، تعهدات مندرج در ظهر و متن سند همه به یک دین منتهی می‌شود، دینی که باید از آن براثت ذمه حاصل نمود، خواه این براثت به وسیله صادر کننده برات حاصل شود و خواه به وسیله امضاکنندگان آن؛ بدین‌سان تعهدات مختلف امضاکنندگان وابسته به هم بوده و کل واحدی از مجموع روابط حقوقی را تشکیل می‌دهند که می‌بایستی تابع یک رژیم باشند (آرمین‌جو^۱، ۱۹۳۸، ص ۳۱۲).

طرفداران این نظریه اعمال قوانین متعدد را متضمن نقایص و مشکلات عملی می‌دانند از جمله این که اگر برای یک تعهد در سند تجاری، مسؤولان تضامنی متعدد وجود داشته باشند که هر یک مشمول مقررات متفاوتی قرار گیرند و در نتیجه آن، قوانین متفاوتی بر تعهدات مندرج در متن سند اعمال شود، غیر عادلانه و غیر منطقی است (باتیفول^۲، ۱۹۸۳، ص ۵۴۷). لذا تابع نمودن مسؤولان سند تجاری از جمله، ظهرو نویس و ضامن به قوانین مختلف، شاید باعث این شود که برخی از آنها بتوانند به بطلانی استناد کنند که دیگران از استناد به آن محروم هستند. هم‌چنین منافع دارندگان سند تجاری نیز به سختی مطابق با اصل تعدد قوانین می‌باشد؛ مسأله مهم این است که اگر قوانین مزبور دارای نصوص متعارض و متفاوتی باشند، در این صورت چه وضعیتی پیش خواهد آمد (آرمین‌جو، ۱۹۳۸، ص ۳۱۲).

تنوری اعمال قوانین متعدد یا اصل عدم وابستگی امضاها

در مقابل، طبق عقیده طرفداران تنوری اعمال قوانین متعدد یا اصل عدم وابستگی امضاها، باید بین امضاها یا تعهدات تضامنی یک سند تجاری تفکیک قایل شد و تعهدات متعهدان آن را تابع قانون مناسب خود نمود (لئوسورن^۳، ۱۹۶۹، ص ۴۶۰؛ دایسی و همکاران، ۱۹۸۹، ص ۸۸۱).

طرفداران این نظریه در جواب اشکال طرفداران نظریه اعمال قانون واحد، که معتقد بودند که اعمال سیستم قانون واحد با قصد احتمالی امضاکنندگان آن مطابقت دارد، اعلام می‌دارند که تحقیق برای کشف اراده احتمالی امضاکنندگان، منجر به رجحان قانون محل وقوع قبولی به

1. Arminjon
2. Batiffol
3. Loussouam

قانون (منحصر به فرد) محل پرداخت می‌شود. وانگهی در مورد وحدت مورد ادعای سند مزبور، این امر به طور قطع با اصل استقلال تعهدات براتی نیز تعارض دارد. تعهدات ضامنان مختلف یک سند وابسته به تعهدات فرد قبول‌کننده یا صادرکننده برات نمی‌باشد، آنها می‌توانند حتی در زمانی که فرد قبول‌کننده و یا صادرکننده فاقد تعهد براتی هستند، وجود داشته باشند. این وصف به طور کامل در هر رابطه حقوقی، حاکمیت یک قانون مناسب را توجیه می‌کند (لسکوت^۱، ۱۹۵۳، ص ۵۷۵).

طرفداران این نظریه هم‌چنین از لحاظ عملی بر این عقیده‌اند که هر یک از امضاکنندگان سند تجاری مایل هستند که قانونی بر روابط آنها حاکم باشد که برای آنها آشنا باشد تا بدانند که چه تعهدی را برعهده می‌گیرند. لذا اگر او را ملزم کنیم که به قانونی غیر از قانون محل انجام تعهد آشنا باشد در این صورت گردش اسناد تجاری با اشکالات و محظورات روبه رو می‌شود. هر چند مسأله تنها منافع دارنده نیست، بلکه اگر قرار باشد که هر فرد امضاکننده برای شناخت راه‌حلی که وی تحت حاکمیت آنهاست، به قانون کشور دیگری مراجعه نماید، در آن صورت گردش برات دچار اشکال خواهد شد. نتیجه این که حاکمیت قانون محل امضا در مورد هر تعهد از این حیث مبین سادگی و مطلوبیت خواهد بود (لسکوت، ۱۹۵۳، ص ۵۷۵).

بررسی این دیدگاه‌ها در حقوق موضوعه

بعد از بررسی تئوری‌های موجود درباره تعیین قانون حاکم بر آثار تعهدات تجاری در این مبحث به بررسی این موضوع از دیدگاه حقوق موضوعه می‌پردازیم. در ابتدا به بررسی حقوق کشورهای انگلوساکسون (انگلیس و آمریکا) و آنگاه پیمان ژنو، حقوق کشورمان را مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهیم داد:

حقوق عرفی یا کامن‌لا

قانون برات در انگلیس مصوب ۱۸۸۲ در بخش ۷۲ خود مقرر می‌دارد: "تفسیر قراردادهای متعدد مرتبط با سند تجاری از قبیل صدور، ظهنویسی، ضمانت و قبولی، مطابق قانون محلی که چنین قراردادی در آن جا منعقد می‌شود، به عمل خواهد آمد" (بیلز^۲، ۱۹۳۹، ص ۲). بنابراین از دیدگاه این قانون، قانون محل تعهد و نه قانون محل اجرای تعهد، تعیین‌کننده،

1. Lescot
2. Byles

اعلام شده است. مؤلفان حقوقی با تفسیر موسعی که از لفظ تفسیر مذکور در بخش ۷۲ قانون برات ۱۸۸۲ به عمل می‌آورند، آثار تعهدات براتی را تابع قانون محل وقوع عقد می‌دانند (گراوسون، ۱۹۷۴، ص ۴۴۸).

در حقوق ایالات متحده امریکا نیز، آثار تعهدات براتی تابع قانون محل انعقاد است، مگر این که طرفین حاکمیت قانون دیگری را انتخاب کرده باشند.

یکی از مولفان حقوقی در این کشور معتقد به این است که صدور، قبولی و ظهنویسی سند تجاری هر کدام قراردادی مستقل بوده و لذا باید به وسیله قانون محل انعقادش حکومت شود (تدوین‌کنندگان قانون آمریکا، ۱۹۶۳، صص ۱۲۳ و ۱۲۴). مگر این که ظاهر و صورت سند دلالت بر حکومت قانون محل اجرا یا قانون کشور دیگر نماید.

پیمان ژنو و حقوق ایران

هدف اصلی کنوانسیون ژنو ۱۹۳۰، دسترسی به قاعده مشترک و واحد بوده است. لذا در ماده ۴ خود مقرر می‌دارد: «آثار تعهدات قبول‌کننده یک برات یا متعهد یک سفته، براساس قانون محل پرداخت این اسناد معین می‌شود که امضاهای مذکور در سرزمین آن کشور داده شده است».

کنوانسیون ژنو بین قانون حاکم بر آثار تعهدات برات‌گیرنده با سایر متعهدان، تفکیک قایل شده و اولی را تابع قانون محل پرداخت و دومی را تابع حقوق محل ایجاد تعهد می‌داند، بنابراین آثار تعهد ظهنویسی، تابع قانون محل ظهنویسی و آثار ضمانت تابع قانون محلی است که در آن جا ضمانت داده شده است. همچنین آثار تعهد صادرکننده برات تابع محل وقوع تعهد است.

در حقوق ایران با توجه به ماده ۳۰۵ قانون تجارت می‌توان گفت که نظر قانون‌گذار به امکان اعمال نظام‌های حقوقی داخلی متعدد بر سند تجاری است، زیرا به موجب این ماده: «هر قسمت از سایر تعهدات براتی (تعهدات ناشی از ظهنویسی، ضمانت، قبولی و غیره) نیز که در خارجه به وجود آمده، تابع قوانین مملکتی است که تعهد در آن جا وجود پیدا کرده است». و منظور از سایر تعهدات در بند فوق، تعهدات بعد از صدور سند است. ماده ۹۶۸ قانون مدنی نیز مؤید این مطلب است که: «تعهدات ناشی از عقد تابع قانون محل وقوع عقد است».

برخی از مؤلفان حقوق تجارت بر این عقیده‌اند که بند دوم ماده ۳۰۵ قانون تجارت ایران (مانند ماده ۴ پیمان ژنو) تمایز اساسی بین آثار تعهد فرد قبول‌کننده برات و متعهد سفته از یک سو و آثار تعهدات سایر متعهدان از سوی دیگر قایل شده است: به این ترتیب که آثار تعهدات قبول‌کننده برات و متعهد سفته مشمول قانون محل پرداخت و آثار تعهدات سایر متعهدان تابع قوانین مملکتی که تعهد در آن جا وجود پیدا کرده است، می‌باشد (اخلاقی، ۱۳۶۹، ص ۱۱۹). به نظر می‌رسد این نظر قابل دفاع نبوده و طبق ماده ۳۰۵ قانون تجارت تعهدات بعد از صدور، تابع قانون مملکتی است که تعهد در آن جا به وجود آمده است.

از دید برخی از حقوق‌دانان (پروین، ۱۳۸۱، ص ۱۱۲؛ اسکینی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۴): قسمت دوم ماده ۳۰۵ قانون تجارت، بر حاکمیت قانون محل وقوع تعهد، بر آثار تعهد، استثنایی وارد کرده است که به موجب آن «اگر شرایط اساسی برات مطابق قانون ایران موجود و یا تعهدات براتی موافق قانون ایران صحیح باشد، کسانی که در ایران تعهداتی کرده‌اند، حق استناد به این را ندارند که شرایط اساسی برات یا تعهدات براتی مقدم بر تعهدات آنها مطابق با قوانین خارجی نیست».

نحوه تعیین قانون حاکم

تعیین و تبیین قانون حاکم بر اسناد تجاری، بدون شک یکی از دقیق‌ترین و مهم‌ترین وظایفی است که مقام رسیدگی‌کننده به دعوی با آن روبه‌رو می‌شود و با توجه به گسترش تجارت جهانی، گردش اسناد تجاری در سطح بین‌المللی ممکن است هر قسمت از تعهدات این اسناد در قلمرو نظام حقوقی مختلفی صورت گیرد و این نظام‌ها نیز ممکن است بنا به قوانین و مصالح خود، قوانین خود را حاکم و یا قابل اعمال بر آن تعهد تشخیص دهند. حال این سؤال مطرح می‌شود که در صورت بروز اختلاف، قاضی برای رفع تعارض و تعیین قانون ماهوی باید به اراده طرفین توجه نماید یا خود با توجه به قواعد حل تعارض قانون حاکم را تعیین نماید، لذا در سه فرض به بررسی این سؤال می‌پردازیم.

طرفین قرارداد قانون حاکم را صریحاً تعیین نموده‌اند

در این فرض، احترام به حاکمیت اراده طرفین در انتخاب قانون ماهوی، حتی اگر قانون کشور ثالثی باشد، لازم‌الرعايه است.

اصل حاکمیت اراده طرفین در انتخاب قانون حاکم، پذیرش جهانی دارد. و در مورد قانون

حاکم بر تعهدات ناشی از اسناد تجاری، دکترین حقوقی کشورهای مختلف به اصل حاکمیت اراده تمسک بسته و از آزادی امضاکنندگان سند تجاری در تعیین قانون حاکم بر تعهدات ناشی از آن حمایت می‌کند. به گفته طرفداران این اصل، اگر بناست از متعهدان یک سند حمایت به عمل آید، چه حمایتی بهتر از آنکه، خود مصلحت می‌دانند. اگر قرار است، قانون مرتبط با قضیه بر آن حاکم باشد، کدام قانون بیش‌تر از قانون مورد توافق طرفین، نزدیک‌ترین ارتباط را با سند دارد.

اصل حاکمیت اراده با همه قدرت خود و نیز حمایتی که از آن می‌شود، اما یکی از اشکالاتی را که در عمل ایجاد می‌کند، این است که اختیار متعاهدان باید مطلق باشد یا محدود؟ و مرز این آزادی اراده تا کجاست؟ آیا طرفین می‌توانند هر قانونی را که مورد دلخواه آنان باشد، بر تمامی ارکان عقد حاکم کنند؟

پاسخ به این سؤالات مستلزم تعیین حدود دقیق اراده متعاملین است آن‌چه بدیهی به نظر می‌رسد، آن است که اعطای اختیار مطلق به متعاهدان امری پسندیده نیست و آزادی طرفین نمی‌تواند بدون حد و مرز باشد، مهم‌ترین محدودیت‌های اراده را می‌توان قانون، نظم عمومی، مسأله تقلب نسبت به قوانین و وجود ارتباط واقعی و منطقی میان قرارداد و قانون انتخابی شمرد.

مطرح شدن محدودیت اختیار اصحاب قضیه به قوانینی که ارتباط واقعی و نزدیکی به دعوا داشته باشد، بازتاب این فکر است که تشخیص ارتباط واقعی میان قرارداد و قانون از افراد سلب گردیده و به دادرس سپرده شود. این نحوه انتخاب قانون حاکم در عمل راه را برای قبول صلاحیت قانون مناسب هموار می‌سازد، قانونی که در عمل، یا قانون محل وقوع قرارداد یا قانون محل اجرای تعهد است.

در حقوق ایران مطابق ظاهر ماده ۹۶۸ قانون مدنی اصل حاکمیت اراده مورد پذیرش قرار نگرفته است و قانون حاکم بر تعهدات ناشی از عقد، قانون محلی است که عقد در آنجا منعقد شده است. ماده مزبور چنین مقرر می‌دارد که: «تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل انعقاد عقد است، مگر این که متعاهدان اتباع خارجه بوده و آن را صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند». بنا به عقیده برخی از متخصصان حقوق بین‌الملل خصوصی، این ماده از حقوق بین‌الملل فرانسه اقتباس شده است، زیرا به موجب یک قاعده قدیمی تعارض قوانین فرانسه، قرارداد تابع قانون محل انعقاد است، مگر این که متعاهدان آن را تابع قانون دیگری قرار داده

باشند. لیکن در ماده ۹۶۸ قانون مدنی ایران به جای عبارت مندرج در قاعده تعارض قوانین فرانسه عبارت «مگر این که متعاقدان اتباع خارجه بوده و آن را صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند»، گنجانده شده است (الماسی، ۱۳۷۶، ص ۲۱۳). نتیجه تغییر نسنجیده مزبور این شده که ظاهر ماده مورد بحث به صورت امری در آمده است.

ظاهر دو پهلو و مبهم قسمت نخست ماده ۹۶۸ قانون مدنی باعث ایجاد مباحث زیادی درباره پذیرش یا عدم پذیرش اصل حاکمیت اراده شده است، لذا بین حقوق دانان در زمینه امری یا اختیاری بودن این ماده اختلاف نظر شده است و گرایش به هر یک از این عقاید موجب دگرگون شدن نتایج خواهد شد. به این دلیل به بررسی این دو نظریه می پردازیم.

نظریه حاکمیت قانون محل انعقاد قرارداد (امری بودن ماده ۹۶۸ قانون مدنی)

به عقیده طرفداران امری بودن ماده ۹۶۸ قانون مدنی، ظاهر عبارت ماده به ویژه ذکر عبارت «مگر این که...» دلالت بر امری بودن ماده دارد. یکی از حقوق دانان موافق این نظریه چنین می نویسد: "از مفاد این ماده چنین فهمیده می شود که دست کم در موردی که دو طرف عقد ایرانی هستند، نمی توانند به تراضی محل وقوع قرارداد را از جای طبیعی آن تغییر دهند و بدین وسیله قانون کشور دیگری را حاکم بر آن سازند. برای مثال: اگر ایجاب و قبول عقدی در ایران واقع شود، ایرانیان دو طرف عقد نمی توانند بدین بهانه که اجرای تعهد بایستی در سویس انجام شود، محل وقوع عقد را کشور سویس قرار دهند. هم چنین است در جایی که قبول در ایران گفته می شود و از مفاد تراضی بر نمی آید که آگاهی از آن شرط وقوع عقد است. این تراضی برخلاف نظم عمومی است، زیرا سبب می شود که ماده ۹۶۸ بی ثمر بماند و حکمت آن از بین برود" (کاتوزیان، ۱۳۶۴، ص ۳۸۹).

نظریه حاکمیت اراده متعاقدان (اختیاری بودن ماده ۹۶۸ قانون مدنی)

طرفداران این عقیده به تبعیت از موضوع اکثریت قریب به اتفاق نظام های حقوقی جهان و کنوانسیون های بین المللی بر این عقیده اند که اصل بر اعطای آزادی انتخاب قانون حاکم توسط متعاقدان است، مگر این که خلاف آن ثابت شود.

طرفداران نظریه حاکمیت اراده متعاملان جهت نیل به اهداف و عقاید خویش معتقدند که ماده ۹۶۸ قانون مدنی حاوی یک قاعده تخییری و تفسیری است و دلایل ذیل را بیان می دارند که:

- اصل بر آن است که قاعده حل تعارض وصف امری یا اختیاری بودن خود را از قاعده ماهوی یا مادی می‌گیرد که مبتنی بر آن است و با توجه به این که مقررات قانون مدنی ایران در باب قراردادهای و تعهدات ناشی از بیع اساساً جنبه اختیاری دارد. لذا قاعده تعارضی نیز که تعهدات قراردادی را تابع قانون محل انعقاد عقد می‌داند، منطقاً باید یک قاعده اختیاری تلقی شود (کاتوزیان، ۱۳۶۴، ص ۲۱۱).

- رویه قضایی به سوی پذیرش اصل حاکمیت اراده در انتخاب قانون حاکم گرایش دارد. دعوای مربوط به داوری تجاری بین‌المللی در دیوان عالی کشور مطرح شده در این رابطه از جمله: رأی شماره ۱۴۷۸ مورخ ۱۳۵۲/۱۰/۱۷ شعبه هفتم نشانگر تمایل دیوان به نظریه اختیاری بودن ماده ۹۶۸ قانون مدنی است. در قسمتی از این رأی آمده است: «... ایراد عدم اهلیت نسبی داور (مؤسسه پنبه لیورپول) به عنوان تابعیت خارجی آن داور وارد نیست، چه طبق قسمت اخیر ماده ۶۳۳ [قانون آیین دادرسی مدنی] مطلق بیگانگی داور موجب بطلان قرارداد داوری نیست، بلکه بطلان و بلااثر بودن قرارداد داوری منحصر است به موردی که داور دارای تابعیت طرف معامله باشد و حال آن که وحدت تابعیت طرف معامله و داور اساساً مورد ادعا قرار نگرفته است. نظر به این که طبق ماده ۹۶۸ قانون مدنی تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع است، مگر این که متعاقدان آن را صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرارداد باشند، بنابراین طبق قسمت اخیر این ماده تراضی بر این که قرارداد تابع مقررات مؤسسه لیورپول است، منع قانونی ندارد...».

به عقیده یکی از حقوق‌دانان، در این رأی، شعبه هفتم دیوان عالی کشور اختیاری بودن قاعده مندرج در ماده ۹۶۸ را مفروغ‌عنه گرفته، لذا بدون ورود در بحث اختیاری یا امری بودن مفاد ماده ۹۶۸ و به عبارتی بدون تردید در تخییری و تفسیری بودن حکم مندرج در ماده ۹۶۸ تراضی طرفین بر اعمال مقررات مؤسسه لیورپول نسبت به قرارداد را معتبر می‌داند (جنیدی، ۱۳۷۶، ص ۲۸۷).

- قانون‌گذار ایرانی به پذیرش اصل حاکمیت اراده در تعیین قانون حاکم گرایش دارد و بیانیه الجزایر که یک معاهده بین‌المللی محسوب و به موجب ماده ۹ قانون مدنی در حکم قانون است، در ماده ۵ راجع به قانون حاکم بر قرارداد از مندرجات قرارداد نام می‌برد. یکی دیگر از قوی‌ترین نشانه‌های گرایش قانون‌گذار داخلی به نظریه حاکمیت اراده و پذیرش آن را می‌توان در قانون داوری تجاری بین‌المللی مشاهده کرد، ماده ۲۷ این قانون در بند یک خود چنین مقرر

می‌دارد: «داور برحسب قواعد حقوقی که طرفین در مورد ماهیت اختلاف برگزیده‌اند، اتخاذ تصمیم خواهد کرد، تعیین قانون یا سیستم حقوقی یک کشور مشخص، به هر نحو که صورت گیرد، به عنوان ارجاع به قوانین ماهوی آن کشور تلقی خواهد شد. قواعد حل تعارض مشمول این حکم نخواهد بود، مگر این که طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

اساتید حقوق بین‌الملل خصوصی در تأیید اصل حاکمیت اراده در حقوق ایران می‌گویند: «قرارداد حسب تعریف، مخلوق اراده متعاملان است؛ بنابراین، منطق حقوقی فارغ از هر نوع مصلحتی حکم می‌کند که طرفین یا طرف‌های قرارداد بتوانند آزادانه هر قانونی را که مناسب می‌دانند حاکم بر شرایط ماهوی آن به ویژه قصد و رضا نمایند. مگر نه این است که آثار و شرایط هر عقدی را متعاملان تا حدودی که مخالف نظم عمومی و قوانین آمره نباشد، می‌توانند با توافق یکدیگر تعیین کنند، و در واقع، این شرایط مورد توافق را جایگزین قانون سازند، پس اشکالی ندارد که طرفین حق داشته باشند، بدون لزوم تکرار مقررات یک قانون خاص ضمن قرارداد، همین که این مقررات را وافی به منظور خود یافتند، تعهدات ناشی از قرارداد خود را تابع همان قانون قرار دهند» (نصیری، ۱۳۷۰، ص ۶۴؛ الماسی، ۱۳۷۶، ص ۲۰۵).

اگر ما بگوییم که قانون‌گذار با توجه به مصالح موجود در آن زمان و نظم عمومی ویژه جامعه آن روز این قاعده را به طور امری وضع کرده است، ولی باتوجه به مفهوم متغییر نظم عمومی و تغییر و تحول جامعه، مقصود اصلی و واقعی قانون‌گذار - که حفظ مصلحت جامعه در هر عصری و تأمین مصالح در هر زمانی است - در عصر ما مقتضی تفسیری و تخییری انگاشتن ماده است.

لذا بر فرض قبول تخییری بودن این ماده و با توجه به این که امروزه اصل حاکمیت اراده تقریباً در تمامی نظام‌های حقوقی و نیز کنوانسیون‌های بین‌المللی پذیرفته شده است، در حقوق ایران نیز در بحث تعیین قانون حاکم، اصل حاکمیت اراده طرفین بر تعهدات قراردادهای یا اسناد تجاری که محل انعقاد آن ایران باشد، پذیرفته شده است. البته قبول اصل حاکمیت اراده منافاتی با در نظر گرفتن محدودیت‌های مربوط به تعیین قانون حاکم، ندارد.

طرفین قرارداد قانون حاکم را به طور ضمنی تعیین نموده‌اند

تشخیص آنکه طرفین به طور ضمنی و غیر صریح، قانونی را به عنوان قانون حاکم بر قرارداد در نظر داشته‌اند و تعیین کرده‌اند مستلزم کشف اراده حقیقی متعاملان است که از اشاره‌هایی مانند محل انعقاد قرارداد. همان گونه که صدر ماده ۹۶۸ قانون مدنی ایران که مقرر

می‌دارد: «تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع است...» مستفاد می‌شود. کشف اراده حقیقی طرفین در تعیین قانون حاکم در واقع مبتنی بر وجود یک رابطه یا علقه متعارف و قابل قبول میان قرارداد و کشوری است که قانون آن را می‌توان حاکم بر قرارداد دانست.

سکوت طرفین قرارداد نسبت به قانون حاکم

در مواردی که قرارداد نسبت به تعیین قانون حاکم ساکت است و طرفین، نه به سبب فراموشی، بلکه به سبب عدم توافق بر این قضیه آن را در قرارداد مندرج نساخته‌اند. این سکوت آشکار و پرطنین مرجع رسیدگی‌کننده را با شقوق مختلفی از قانون حاکم رویه رو می‌سازد. زیرا از یک سو کشف اراده حقیقی متعاقدان ممکن نیست، چون اصلاً اراده‌ای در این خصوص نداشته‌اند و توافقی حتی به طور ضمنی و تلویحی در آن نکرده‌اند و از سوی دیگر به ناچار قانون ماهوی یک کشور بر حقوق و تعهدات طرفین باید حاکم باشد.

مهم‌ترین وظیفه دادرس در حل این مسأله و اعمال قواعد تعارض، توصیف عمل حقوقی یا عناصر آن یا وضعیت موضوع اختلاف است تا بتواند در ابتدا، طبیعت آن را کشف کند و سپس آن را با توجه به شکل و یا ماهیت آن را در گروه مناسب خود قرار دهد. مثلاً ابتدا باید تبیین نماید وضعیت مورد اختلاف مربوط به تعهدات طرفین و یا مسایل ماهوی است. دادرس این توصیف را به ناچار بر اساس قوانین و مقررات کشور محل دادگاه انجام می‌دهد و قانون حاکم را بنا به مورد بر آن اساس جستجو می‌نماید.

در حقوق ایران در صورت سکوت کامل طرفین، به نحوی که اراده ضمنی ایشان قابل استنباط نباشد قاضی آزادی مطلق ندارد و باید قانون قابل اعمال را بر مبنای قواعد حل تعارض قوانین ایران تعیین کند که در مورد تعهدات ناشی از اسناد تجاری نیز ماده ۹۶۸ قانون مدنی حاکم است و بر مبنای معتدل‌ترین تفسیر، یعنی در صورتی که آن را تخییری بدانیم نیز، در صورت سکوت طرفین، قانون محل انعقاد عقد در هر حال حاکم خواهد بود.

حال که ضابطه تعیین قانون حاکم بر تعهدات ناشی از اسناد تجاری مشخص گردید، در مباحث بعدی به بررسی قانون حاکم بر آثار تعهدات ناشی از اسناد تجاری می‌پردازیم.

قانون حاکم بر تعهدات ناشی از اسناد تجاری

تعیین قانون حاکم بر تعهدات برات‌گیرنده و متعهد سفته

شخصی را که وجه مندرج در برات را باید پرداخت کند، برات‌گیرنده یا محال علیه

می‌گویند، برات به صرف صدور و امضای صادرکننده برات کامل نیست و تحقق کامل آن منوط به قبولی برات‌گیر است. برات‌گیرنده یا محال‌علیه برات، پس از آن که برات را قبولی نوشت، مدیون اصلی آن می‌گردد.

تعهد برات‌گیرنده در پرداخت وجه برات، پس از قبول، یک تعهد یک‌جانبه و مجرد است، به این معنی که صرف امضا یا مهر قبول‌کننده در ورقه سند، برای او ایجاد حق می‌کند و او دیگر نمی‌تواند به ایراداتی که ممکن است در رابطه حقوقی خود با صادرکننده برات داشته باشد، به زیان دارنده با حسن نیت برات استناد نماید.

طبق ماده ۴ کنوانسیون ژنو، قانون حاکم بر آثار تعهدات برات‌گیر و متعهد سفته، قانون محل پرداخت می‌باشد.

یکی از حقوق‌دانان ایرانی (اخلاقی، ۱۳۶۹، ص ۱۱۹) اظهار داشته که بند دوم ماده ۳۰۵ قانون تجارت ایران^۱ نیز پذیرای راه‌حل کنوانسیون ژنو می‌باشد و باید بین آثار تعهد قبول‌کننده یا برات‌گیر و متعهد سفته با آثار تعهد سایر متعهدان تفکیک قایل شد و آثار تعهد برات‌گیر و متعهد سفته را به موجب قانون محل پرداخت و آثار تعهد سایر متعهدان به موجب قانون کشوری که این تعهدات در قلمرو آن به وجود آمده است، تعیین نمود.

به نظر نگارنده، این نظر قابل دفاع نبوده و طبق ماده فوق‌الذکر، تعهدات بعد از صدور، تابع قانون مملکتی است که تعهد در آن جا به وجود آمده است و هیچ تفکیکی درباره قانون حاکم بر آثار تعهد متعهد سفته و برات‌گیر با سایر متعهدان اسناد تجاری قایل نشده است.

در نتیجه، در حقوق ایران باید گفت که تعهدات برات‌گیر و متعهد سفته تابع قوانین مملکتی است که تعهد در آن جا وجود پیدا کرده است، مشروط بر آن که کشور محل تنظیم سند به موجب قوانین خود یا عهود، عمل متقابل نموده و اسناد تنظیم شده در ایران را معتبر بشناسد.

ارایه جهت قبولی و شرایط آن

سؤالی که ایجاد می‌شود، این است که آیا مسایل مربوط به ارایه جهت قبولی و شرایط آن و غیره می‌تواند تحت حاکمیت بند ۱ ماده ۴ پیمان باشد؟

۱. بند دوم ماده ۳۰۵ ق.ت. مقرر می‌دارد: «...هر قسمت از سایر تعهدات براتی (تعهدات ناشی از ظهورنویسی و ضمانت، قبولی و غیره) نیز که در خارجه به وجود آمده تابع قوانین مملکتی است که تعهد در آن جا وجود پیدا کرده است.»

به نظر می‌رسد که بتوان گفت که با توجه به ماده ۴ پیمان مسایل مربوط به ارایه جهت قبولی و شرایط آن تحت حاکمیت این ماده نباشد، چرا که ماده مزبور فقط درباره آثار قبولی است و راجع به مشکلاتی که قبل از قبولی و امضا برات‌گیر مطرح می‌شود، بحثی نمی‌کند. اما دکتربین نظرات متفاوت ارایه داده‌اند:

عده‌ای پیشنهاد کرده‌اند که موضوع مشمول قانون محل صدور باشد (لیون، ۱۹۲۵، ص ۶۴۳). دکتربین جدید گرایش به قبول صلاحیت قانون محل ارایه دارند (آرمین جو، ۱۹۳۸، ص ۱۶۳). از نظر این دسته قانون کشوری که در قلمرو آن موضوع ارایه برای قبولی می‌بایستی به عمل آید بر مسأله ارایه و شرایط آن حاکم خواهد بود. این صلاحیت به طور کلی بر مبنای دلایل قاعده "تنظیم اسناد مطابق قانون محل تنظیم"، توجیه می‌گردد. یکی از حقوق‌دانان (اخلاقی، ۱۳۶۹، ص ۱۱۹) اظهار می‌دارد که: "مستفاد از قسمت اخیر ماده ۸ پیمان ژنو همین قاعده استخراج می‌گردد"، ماده ۸ مقرر می‌دارد که: «... شکل سایر اقدامات لازمه اعمال حق و حفظ آن در مورد برات و سفته به موجب قوانین کشوری حل و فصل خواهد شد که واخواست‌نامه یا عمل مورد نظر باید در قلمرو آن کشور انجام شود».

الزام یا عدم الزام برات‌گیر به قبولی

در این قضیه که الزام یا عدم الزام برات‌گیر تحت حاکمیت چه قانونی می‌باشد، بین حقوق‌دانان اختلاف نظر وجود دارد، چرا که ماده ۴ مقرر می‌دارد: «آثار تعهدات قبول‌کننده یک برات یا یک متعهد سفته، براساس قانون محل پرداخت این اسناد معین می‌شود...». یکی از حقوق‌دانان (لسکوت و دیگران، ۱۹۵۳؛ آرمین جو، ۱۹۳۸، ص ۱۶۳) عقیده دارند که ماده ۴ کنوانسیون ژنو آثار ارایه را شامل نمی‌گردد و این که آیا برات‌گیر مکلف است تا براتی را که جهت قبولی به او ارایه شده است، قبولی بنویسد یا نکول کند، از دایره شمول این ماده خارج می‌باشد. چرا که مسأله ناظر بر مرحله قبل از قبولی می‌باشد، وانگهی غیر منطقی است که برات‌گیر را تابع قانون محل پرداخت نماییم و حال آن که مقصود ما در این جا دانستن این قضیه است که آیا وی بدهکار است یا نه و آیا وی ملزم به پرداخت است یا خیر. این نویسنده حقوقی گرایش به قبول این نظر دارد که این مورد تابع حکومت قانون قابل اعمال در مورد قرارداد قبلی فی‌مابین صادرکننده برات و برات‌گیر است. این راه‌حل ظاهراً بر یک اصل کلی اتکا دارد که به موجب آن تعهد قبولی برات از قرارداد اولی فی‌مابین صادرکننده برات و برات‌گیر ناشی می‌شود. لذا طبق این نظر، قانون حاکم بر خصیصه الزامی یا اختیاری

بودن قبولی تابع قانون قابل اعمال در مورد قرارداد قبلی فی مابین صادرکننده برات و برات گیر است.

در مقابل یکی دیگر از حقوق دانان و استادان معاصر حقوق تجارت بین الملل به منظور ایجاد وحدت حقوقی، گرایش به قبول قانون محل پرداخت دارند (لئو سورن، ۱۹۶۹، ص ۴۶۰).

قبولی نسبی یا جزئی

در مورد قانون حاکم بر مسایل مربوط به امکان قبولی جزئی یا عدم امکان آن، ماده ۷ کنوانسیون ژنو مقرر می دارد که: «این موضوع که آیا قبولی می تواند منحصر به یک قسمت از وجه باشد یا این که دارنده ملزم به قبولی پرداخت جزئی از مبلغ است، توسط قانون کشور محل پرداخت تعیین می شود. همین قواعد بر پرداخت سفته نیز حاکمیت دارد.»، لذا طبق مقررات ژنو، قبولی جزئی تابع قانون محل پرداخت است.

اولین مسأله که در بحث قبولی نسبی و قانون حاکم بر آن مطرح می شود، این است که آیا برات گیر حق مشروط نمودن یا تغییر تاریخ سررسید و محل پرداخت را دارد یا خیر؟ و آیا مشمول ماده ۷ کنوانسیون ژنو می شود یا خیر؟

یکی از حقوق دانان اظهار می دارد که: «این راه حل [حکومت قانون محل پرداخت] ظاهراً به کلیه تغییراتی که ممکن است توسط برات گیر در مورد محتوای اصلی برات به عمل آید، نیز تسری یافته است.» (اخلاقی، ۱۳۶۹، ص ۱۲۰). یکی دیگر از حقوق دانان نیز می نویسد که: «این که برات گیر حق مشروط نمودن یا تغییر تاریخ سررسید و محل پرداخت را دارد یا خیر و امکان هرگونه تغییر احتمالی در سند توسط وی، تابع حقوق کشور محل پرداخت خواهد بود.» (پروین، ۱۳۸۱، ص ۱۱۱).

دومین مسأله که در این جا مطرح می شود این است که آثار تعهد قبول کننده نسبی یا جزئی تحت حاکمیت چه قانونی قرار می گیرد و آیا می توان آن را مشمول ماده ۷ کنوانسیون ژنو دانست؟ همان طور که همگان توافق دارند ماده ۷ کنوانسیون مزبور منحصراً ناظر بر این مسأله است که: «قبولی می تواند محدود به جزئی از مبلغ برات باشد» بنابراین، آثار قبولی بخشی از مبلغ برات در قبال متعهدان برات، طبق بند ۲ ماده ۴ کنوانسیون مزبور، مشمول قانون محل انجام تعهد است (لئوسورن، ۱۹۶۹، ص ۴۶۰).

قبولی شخص ثالث

سؤالی که مطرح می‌شود، این است که شرایط و آثار قبولی شخص ثالث تابع چه قانونی است؟

یکی از علمای حقوق بر این باور است که شرایط و آثار قبولی شخص ثالث تابع قانون محل دخالت شخص ثالث است. این حقوق‌دان بند ۲ ماده ۴ کنوانسیون را در تأیید نظر خود می‌آورد (آرمین‌جو، ۱۹۳۸، ص ۱۶۳) که مقرر می‌دارد: «... آثاری که امضای دیگر متعهدان برات یا سفته مولد آن است، مطابق قانون کشوری که در سرزمین آن امضاهای مزبور داده شده است، تعیین می‌شود».

یکی دیگر از علمای حقوق اظهار می‌دارد که این نظریه اختیارات خیلی گسترده برای ماده ۴ قایل است. ماده مزبور می‌تواند آثار تعهدات براتی را تنظیم نماید، ولی قابل اعمال نسبت به شرایط صحت نخواهد بود (لسکوت، ۱۹۵۳، ص ۱۸۵۷)، بلکه قانون حاکمیت اراده است که قابلیت اعمال نسبت به شرایط صحت را دارد. این قانون می‌تواند نشان دهد که "قبولی شخص ثالث" چگونه به وقوع می‌پیوندد، چه کسی می‌تواند نسبت به آن اقدام کند و به نفع چه کسی، شخص مزبور می‌تواند قبولی بنویسد؛ ولی تعیین حدود و ثغور تعهد شخص ثالث قبول‌کننده تابع بند ۲ ماده ۴ خواهد بود.

در حقوق ایران باید توجه به ماده ۳۰۵ قانون تجارت، آثار تعهدات شخص ثالث قبول‌کننده را تابع قانون محل تعهد شخص ثالث دانست.

تعیین قانون حاکم بر تعهدات صادرکننده برات

صادرکننده برات با صدور برات، اگر چه شخصی را به عنوان برات‌گیر تعیین می‌کند، اما در واقع خود را نیز متعهد پرداخت وجه آن می‌کند. برات را صادرکننده برات صادر و ایجاد می‌کند، پس اگر وجه برات در سررسید توسط برات‌گیر پرداخت نشود و یا اصولاً برات‌گیر، برات را قبول نکند، صادرکننده برات مسؤول تأدیه وجه برات به دارنده است.

آثار تعهد صادرکننده برات براساس بند ۲ ماده ۴ از قسمت دوم کنوانسیون ژنو ۱۹۳۰، تابع قانون محل ایجاد آن تعهد می‌باشد، این قانون تعیین می‌کند که آیا محیل، ضامن تحصیل قبولی و پرداخت سند است یا خیر یا این که چه ایراداتی می‌تواند برضد دارنده برات داشته باشد یا چه اختیاراتی در مراجعه به متعهدان دارد، یا به عبارت دیگر رژیم حاکم بر حق مراجعه چگونه خواهد بود.

در حقوق ایران؛ با توجه به قسمت اول ماده ۳۰۵ قانون تجارت، آثار تعهدات صادرکننده برات در مسایلی که پیش می‌آید مثل این که آیا صادرکننده برات ضامن قبولی و پرداخت است یا خیر و چه ایراداتی می‌تواند برضد دارنده برات داشته باشد یا چه اختیاراتی در مراجعه به متعهدان دارد، تابع قانون محل وقوع تعهد است.

اما ممکن است که این سؤال مطرح شود که آیا شرط صحت و آثار و شرط اختیاری مندرج در سند (شرط عدم مسئولیت، شرط غیرقابل ظهنویسی، بدون تضمین و شرط بدون قبولی) تحت حاکمیت قانون محل وقوع تعهد قرار می‌گیرد یا خیر؟

به نظر می‌رسد که ماده ۴ کنوانسیون ژنو که درباره قانون حاکم بحث می‌کند، فقط درباره آثار تعهدات صادرکننده برات می‌باشد، نه شرایط صحت آن، لذا یکی از حقوق‌دانان گفته‌اند که، شرایط اختیاری مندرج در برات از قبیل «بدون تضمین»، «غیر قابل ظهنویسی» و «بدون قبولی» و امثال آن، باید منطقیاً به عنوان شرایط قصد و رضا تلقی شود و در نتیجه مشمول قانون حاکمیت اراده باشد (لسکوت، ۱۹۵۳، ص ۵۸۱).

این ایده در صورتی که به حقوق اشخاص ثالث لطمه‌ای وارد نشود، با توجه به اصل حاکمیت اراده، در چهارچوب شرایط اختیاری و غیر مخالف با مقررات امری، ذکر شرایطی مثل «شرایط عدم مسئولیت» و «غیر قابل ظهنویسی» و «بدون تضمین» و امثال آن، بین متعهدله و متعهد معتبر باشد. درست به نظر می‌رسد.

در حقوق ایران درباره شرایط اختیاری سند، قانون حاکم بر اعتبار سند تعیین می‌کند که شرایط اختیاری اسناد تجاری کدام است و چه تأثیری بر آن می‌گذارد (الماسی، ۱۳۸۴، ص ۳۲۰).

تعیین قانون حاکم بر تعهدات ظهنویس اسناد تجاری

حقوق ناشی از اسناد تجاری مانند همه حقوق مالی دیگر قابل نقل و انتقال می‌باشد، ولی امر انتقال در اسناد تجاری شیوه خاص خود را دارد و آن همان طریق ظهنویسی است و معمولاً با نوشتن عباراتی در ظهر سند به عمل می‌آید.

در حقوق بین‌الملل خصوصی، از قبل از تصویب کنوانسیون ژنو، قانون حاکم بر آثار تعهدات ظهنویس را قانون محل ظهنویسی می‌دانستند، بعد از تصویب کنوانسیون ژنو، قانون‌گذار مربوطه در بند ۲ ماده ۴ کنوانسیون مزبور این قاعده رایج بین‌الملل خصوصی را پذیرفته است.

این قاعده حکایت از یک جریان بین‌المللی دارد و در نظام‌های حقوق آلمان و انگلیس نیز همین قاعده معمول و مجری است (لئوسون، ۱۹۶۹، ص ۴۶۰). و طبق این قاعده، این قانون (قانون محل ظهنویسی) حدود و ثغور آثار تعهدات ظهنویس، ایرادات قابل طرح در مقابل دعوی مطرح شده، موارد عدم مسؤولیت و نحوه انتقال حقوق مندرج در سند را تعیین می‌کند و خلاصه این قانون است که ارزیابی منظم بودن سلسله ظهنویسی‌ها و مشروع بودن امتیازات آخرین دارنده را، میسر می‌سازد.

در حقوق ایران نیز طبق ماده ۳۰۵ قانون تجارت، آثار تعهد ظهنویس تابع قانون محل وقوع تعهد یا همان ظهنویسی می‌باشد.

درباره قانون حاکم بر آثار حقوقی تعهدات ناشی از چک، پیمان ژنو در ماده ۵ خود مقرر می‌دارد که: «آثار ناشی از تعهداتی که به موجب چک به عمل می‌آید، تابع قانون کشوری است که این تعهدات در قلمرو آن به وجود آمده است»، لذا می‌بینیم که این ماده برگردان بند ۲ ماده ۴ کنوانسیون ژنو درباره برات و سفته می‌باشد، هر چند اعمال سیستم تعدد قوانین درباره چک مشکلاتی را ایجاد می‌کند، چرا که این سند وسیله پرداخت نقدی می‌باشد.

در رابطه با ظهنویسی و تعیین قانون حاکم بر آثار آن، تعدادی سؤال مطرح است که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می‌شود:

اولین سؤال این است که اگر در قلمرو کشوری که ظهنویسی سفید امضا را واجد اعتبار می‌داند، سند به صورت سفید امضا منتقل شود، آیا منتقل‌الیه نسبت به ضامن‌هایی که سند را در کشوری که ظهنویسی سفید امضا را معتبر نمی‌دانند، امضا نموده بودند نیز به عنوان مالک سند محسوب می‌شود؟

از آنجایی که بررسی ارزش ظهنویسی سفید امضا مطابق با قانون محلی که ظهنویسی در آن جا واقع شده، مورد بررسی قرار می‌گیرد، لذا در این جا نیز باید این قاعده پذیرفته شده را رعایت نمود.

دومین مسأله‌ای که مطرح می‌شود، این است که تعیین آثار ظهنویسی به تاریخ مؤخر مطابق کدام قانون به عمل می‌آید؟

یکی از نویسندگان حقوقی، مسأله ظهنویسی به تاریخ مؤخر یا خارج از موعد را مسأله شکلی در مفهوم موسع تلقی کرده و در نتیجه آن را تابع مفاد ماده ۳ کنوانسیون ژنو ۱۹۳۰ دانسته‌اند. این استاد محترم قایل به این نظر هستند که قانون محل تنظیم سند است که فرضاً

نشان می‌دهد که تحت چه شرایطی، ظهرنویسی فاقد تاریخ، ظهرنویسی خارج از موعد محسوب می‌شود (لسکوت، ۱۹۵۳، ص ۵۹۳). ولی تعیین آثار ظهرنویسی خارج از موعد نسبت به هر یک از ظهرنویس‌های قبلی، مطابق بند ۲ ماده ۴ کنوانسیون به عمل خواهد آمد (آرمین جو، همان)، یعنی قانون محل انجام ظهرنویسی آثار این نوع ظهرنویسی را مشخص خواهد کرد. در مقابل یکی دیگر از نویسندگان، بدون این که تفکیکی درباره مسأله قایل شوند، ظهرنویسی خارج از موعد را کلاً تابع قانون محل انجام تعهد می‌دانند (لئوسون، ۱۹۶۹، ص ۴۶۰).

سؤال دیگری که ممکن است مطرح شود، این است، حال که پذیرفتیم که طبق بند ۲ ماده ۴ کنوانسیون ژنو و ماده ۳۰۵ قانون تجارت ایران، قانون محل انجام ظهرنویسی حاکم بر آثار و تعهدات ظهرنویسان می‌باشد، حال اگر محل امضا با محل مقید در برات مختلف باشد، قانون حاکم بر اساس کدام یک تعیین می‌گردد.

یکی از حقوق‌دانان معتقد است که: «اگر محل امضا با محل مقید در برات اختلاف داشته باشد، وفق قاعده ماده ۴ مقررات ژنو، محل امضا تعیین‌کننده قانون قابل اجرا خواهد بود.» (صقری، ۱۳۸۷، ص ۲۴۰).

به نظر نگارنده، در صورتی که فرد ثابت نماید که محل امضا و انجام ظهرنویسی با محل مقید در سند متفاوت است، قانون محل انجام ظهرنویسی حاکم می‌باشد، هر چند دادگاه در ابتدا به ظاهر سند توجه نموده و با اثبات این مدعا به عهده مدعی است.

تعیین قانون حاکم بر آثار تعهدات ضامنین

فقدان تعریف خاص درباره ضمانت چه در قوانین داخلی و چه در مقررات بین‌المللی سبب گردیده حقوق‌دانان تعاریف گوناگون از ضمانت ارائه دهند.

به عقیده یکی از حقوق‌دانان «ضمانت در برات عبارت است از تضمینی که شخص می‌دهد تا وجه برات در سررسید پرداخت شود.» (ستوده تهرانی، ۱۳۷۴، ص ۴۲).

دکتر ربیعا اسکینی تعریف جامع‌تری را ارائه می‌دهد، به عقیده ایشان «ضمانت عبارت است از تعهد شخص ثالثی به این که یک یا چند نفر از مسؤولان برات (برات دهنده، برات‌گیر، ظهرنویس) در سررسید وجه برات را پرداخت خواهند کرد، و به شخصی که ضامن از او ضمانت کرده است، مضمون عنه می‌گویند» (اسکینی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۵).

آثار ضمانت در رابطه با ضامن و دارنده سند در حقوق تجارت ایران به موجب قسمت اخیر ماده ۲۴۹ قانون تجارت، ضامن به طور تضامنی مسؤول است، بنابراین اگر در یک سند

چند نفر ضامن وجود داشته باشند، تمام ضامن‌ها در برابر دارنده سند به طور تضامنی مسؤول هستند.

آثار ضمانت در رابطه با سایر مسؤولین از آن جا که ضامن پس از پرداخت مبلغ برات از نظر حقوق و وظایف جانشین مضمون عنه خود شده است، می‌تواند علاوه بر رجوع به مضمون عنه، به برات دهنده، صادرکننده برات و ظهرنویسان ماقبل مضمون عنه و حتی ضامن‌های مشارالیه هم رجوع نماید. سؤالی که مطرح می‌شود، این می‌باشد که آثار تعهدات ناشی از ضمانت در اسناد تجاری بین‌المللی مطابق کدام قانون تعیین می‌شود؟ درباره قانون قابل اعمال بر تعهدات ضامنین دو دیدگاه از گذشته وجود داشته که در ذیل به آنها اشاره می‌شود.

بر مبنای دیدگاه اول، ضمان یک حالت تأمینی خاص حقوق براتی تلقی می‌گردد. بدین‌سان مبادرت به ایجاد وجه تمایزی به این ترتیب می‌شود: تعهد فرد ضامن به عنوان یک تعهد براتی، مطابق بند ۲ ماده ۴ کنوانسیون، تابع قانون مناسب خود و به عنوان یک تعهد تبعی، تابع قانون طلب مورد ضمان، خواهد بود (لئورسون، ۱۹۶۹، ص ۵۵۷).

دیدگاه دوم، به جهت ابهاماتی که از دیدگاه اول از جهت تفکیک بین دو تعهد حاصل می‌شود، آثار تعهد ضامن را به عنوان یک تعهد براتی مستقل، تابع قانون مناسب خود می‌دانند. از نظر این دسته، ضمانت دارای وجود مناسب به خود می‌باشد که هرگز دلالت بر صحت تعهد مورد ضمان نمی‌کند. به طور کلی، ضمانت همانند هر تعهد براتی دیگر تابع قانون محلی است که در آن جا به عمل آمده است (لسکوت، ۱۹۵۳، ص ۵۹۵).

علمای حقوق (لیون، ۱۹۲۵، ص ۳۵۷). و هم‌چنین معاهدات بین‌المللی^۱ تا سال ۱۹۳۰ درباره قانون حاکم بر تعهدات ضامنین، قایل به اعمال قانون حاکم بر تعهدات شخص مضمون‌عنه بودند.

کنوانسیون ژنو که در سال ۱۹۳۰ به تصویب رسید، عملاً با وضع ماده ۴ قرارداد دوم، دیدگاه دوم را که در بالا ذکر گردید، پذیرفته است. طبق این ماده که مقرر می‌دارد: «... آثاری که امضای دیگر متعهدان برات یا سفته مؤکد آن است، مطابق قانون کشوری که در سرزمین آن امضاهای مزبور داده شده است، تعیین می‌شود»، قانون محل ضمانت است که تعهدات ضامن و حدود و ثغور ضمانت را معلوم می‌نماید.

۱. معاهده مونته‌ویدئو، مصوب ۱۲ فوریه سال ۱۸۸۹

در حقوق ایران نیز قانون‌گذار با وضع ماده ۳۰۵ قانون تجارت این قاعده قدیمی را پذیرفته است.

آثار ضمانت در اسناد تجاری، حسب قاعده کلی، تابع قانون محلی است که ضمانت در آن جا به عمل آمده است که مورد تأیید کنوانسیون ژنو و حقوق ایران نیز قرار گرفته است.

نتیجه

بدیهی است که متابعت همه بخش‌های یک سند از قانون واحد، کاملاً ایده‌آل و مطلوب است، ولی به سبب وجود عناصر خارجی در سند که به همراه خود، حقوق ویژه آن عنصر خارجی را مطرح می‌سازند و نیز با توجه به اصل استقلال امضاها که لازمه اعتبار اسناد تجاری است و با توجه به عدم هماهنگی بین نظام‌های حقوقی داخلی، حاکمیت قانون واحد بر همه بخش‌های سند تجاری، عملاً مقدور نیست و لذا درباره اسناد تجاری صحبت از اعمال "قاعده واحد" به میان می‌آید و نه "قانون واحد". و با نگاهی گذرا به نظام حقوقی کشورهای مختلف از جمله گروه کامن لو و حقوق ایران و کنوانسیون ژنو این نتیجه به دست می‌آید که قوانین و رویه قضایی این کشورها، تئوری "اعمال قوانین متعدد" را در ارتباط با آثار تعهدات براتی مورد پذیرش قرار داده‌اند.

در رابطه با ضابطه تعیین قانون حاکم بر تعهدات اسناد تجاری باید گفت که با توجه به ظاهر ماده ۹۶۸ قانون مدنی و بر فرض قبول تخییری بودن این ماده، قانون حاکم بر تعهدات اسناد تجاری، قانون محل انعقاد است، مگر اینکه طرفین آن را تابع قانون دیگری قرار داده باشند و در صورت سکوت طرفین و عدم تعیین صریح یا ضمنی قانون حاکم، قانون محل انعقاد عقد حاکم خواهد بود.

درباره قانون حاکم بر تعهدات برات‌گیر و متعهد سفته، در حقوق ایران باید گفت که تعهدات برات‌گیر و متعهد سفته تابع قوانین مملکتی است که تعهد در آن جا وجود پیدا کرده است، مشروط بر آن که کشور محل تنظیم سند به موجب قوانین خود یا عهد، عمل متقابل نموده و اسناد تنظیم شده در ایران را معتبر بشناسد.

با توجه به قسمت اول ماده ۳۰۵ قانون تجارت، آثار تعهدات صادرکننده برات، تابع قانون محل وقوع تعهد است.

در حقوق بین‌الملل خصوصی، قبل از تصویب کنوانسیون ژنو، قانون حاکم بر آثار تعهدات

ظهنویس را قانون محل ظهنویسی می‌دانستند، بعد از تصویب کنوانسیون ژنو، قانون‌گذار مربوطه در بند ۲ ماده ۴ کنوانسیون مزبور این قاعده رایج بین‌المللی خصوصی را پذیرفته است. این قاعده حکایت از یک جریان بین‌المللی دارد و در نظام‌های حقوق آلمان و انگلیس نیز همین قاعده معمول و مجری است و طبق این قاعده، این قانون (قانون محل ظهنویسی) حدود و ثغور آثار تعهدات ظهنویس، ایرادهای قابل طرح در مقابل دعوی مطرح شده، موارد عدم مسؤولیت و نحوه انتقال حقوق مندرج در سند را تعیین می‌کند.

در حقوق ایران نیز طبق ماده ۳۰۵ قانون تجارت، آثار تعهد ظهنویس تابع قانون محل وقوع تعهد یا همان ظهنویسی می‌باشد.

آثار ضمانت در اسناد تجاری، حسب قاعده کلی، تابع قانون محلی است که ضمانت در آن جا به عمل آمده است که مورد تأیید کنوانسیون ژنو و حقوق ایران نیز قرار گرفته است. در پایان درباره اعمال اصل حاکمیت اراده در تعیین قانون حاکم پیشنهاد می‌گردد تا عبارت مخل و مزاحم "اتباع خارجه" از ماده ۹۶۸ قانون مدنی حذف گردد.

منابع و مأخذ

۱. اخلاقی، بهروز (۱۳۶۹)، "اسناد تجاری در قلمرو حقوق تجارت بین‌الملل"، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۱۲، صفحات ۳۰ - ۱۱۹.
۲. _____ (۱۳۶۸)، "جزوه حقوق تجارت ۳"، دانشکده حقوق دانشگاه تهران.
۳. اسکینی، ربیعا (۱۳۸۵)، "حقوق تجارت (برات، سفته، چک)"، چاپ دهم، تهران، انتشارات سمت.
۴. _____ (۱۳۷۳)، "حقوق تجارت تطبیقی"، چاپ اول، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۵. الماسی، نجاد علی (۱۳۸۴)، "حقوق بین‌الملل خصوصی"، چ سوم، تهران، نشر میزان.
۶. _____ (۱۳۷۶)، "تعارض قوانین"، چ پنجم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۷. پروین، فرهاد (۱۳۸۱)، "تعارض قوانین در اسناد تجاری بین‌المللی"، تهران، نشریه پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۷.
۸. جنیدی، لعیبا (۱۳۷۶)، "قانون حاکم بر داوری‌های تجاری بین‌المللی"، تهران، نشر دادگستر.
۹. ستوده تهرانی، حسن (۱۳۷۴)، "حقوق تجارت"، جلد سوم، تهران، نشر دادگستر.
۱۰. سماواتی، حشمت الله (۱۳۷۷)، "حقوق معاملات بین‌المللی"، چ اول، تهران، ققنوس.
۱۱. صقری، محمد (۱۳۸۷)، "حقوق بازرگانی اسناد"، چ سوم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۲. _____ (۱۳۶۹)، "ارزیابی پیش‌نویس ضمیمه اول کنوانسیون برات و سفته بین‌المللی"، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۱۲.
۱۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۴)، "قواعد عمومی قراردادها"، ج ۱، چ اول، تهران، انتشارات بهنشر.
۱۴. نصیری، مرتضی (۱۳۷۰)، "حقوق چند ملیتی"، چ اول، تهران، انتشارات سپهر.
۱۵. _____ (۱۳۵۲)، "حقوق تجارت بین‌الملل"، تهران، انتشارات ویسمن.
16. American Jurisprudence, (1963), "Federal and state", 80. voll, 2th edit, voll 11, Bills and Notes. Jurisprudence Publishing Inc U.S.A.
17. Arminjon et Carry (1938), "La Letter de change et le billeta order", Paris.
18. Batiffol, Hernri (1938), "Droit Interrnational privet", Paris, 7 Ed.
19. BYles (Y.B) (1939), "A Tearties on the law of Bills of exchange and Notes", twentieth edit, London.
20. Dicey and Moris (1989), "Confelict of laws", Vol 1, London, Stevens and Sons limited.
21. Gravelson, R.H (1974), "The Conflict of laws", London 6th edition, Sweet and

- Maxwell Ltd.
22. Lescot (P) et Roblot (1953), *"Les effets de commerce"*, Paris.
 23. Loussouarn Y. te, Bridin, Y.D (1969), *"Droit du Commerce international"*, Paris, Sirey.
 24. Lyon, Caen et Rendlot (1925), *"Traite de droit Commercial"*, 5e edit.